

**آقای «محمدباقر قالیباف»؛ این گزارش را با دقت بخوانید!**

# فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضا«ع» یزد آماده افتتاح اما دچار بی‌مهری، چرا؟!!

تحریم، اقتصاد، اراده ی یک ملت، قانون، قوای سه گانه، رفع موانع تولید، صنایع سبز،های تک، بی‌اثر کردن تحریم ها، اقتصاد مقاومتی، جهش تولید، بی‌نیازی به غرب، آرمان‌های انقلاب و یک پرسش بزرگ؛ برای رسیدن به اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، مجموعه‌ای از وظایف تعریف شده وجود دارد که به سان دو همزاد، یکی بدون حضور دیگری «بتر» است، گم است، معلول و ناقص است، اصلا دچار تشویش اراده است. آقای قالیباف! بیرون از همه ی شعار زدگی ها، مثل آب گریخته، نیشکر هفت تبه، خشکسالی سیستان و بلوچستان، مشکلات کارخانه‌های حومه ی تهران، گره گشایی از تولید کنندگان شمال کشور و مواردی از این دست، بررسی کنید چرا باید یک طرح بزرگ که تحقیقا در خاورمیانه نظیر ندارد و آماده افتتاح است به طرز عجیب و غریب و ناامید کننده‌ای دچار بی‌مهری است؟ قانون کجای سایه سار حمایت قرار می گیرد که در چنین مواقعی سکوت اختیار می کند؟!



**آفتاب یزد – گروه اقتصادی:** انسان بر حسب عادت یا تمایل به غریزه؛ همواره در حال مقایسه شدن یا مقایسه کردن است، دپیروز را با امروز، خودش را با دیگران، چند سال قبل و این روزها، زادگاهش با دیگر کشورها و…داستان به همین مقایسه شدن و مقایسه کردن نیز ختم نمی‌شود که در پس هر مقایسه ای؛ قضاوتی، تحلیلی و نتیجه گیری‌ای در کمین است. این مقدمه را از آن جهت نوشتم که یک حکایت در نوع خود عجیب را در بستری از زمان – مابین بهمن ۹۴ و اسفند ۹۹ – مرور کنیم.

**■ از بهمن ۹۴ تا اسفند ۹۹**

اگرچه از بهمن ۹۴ تا اسفند ۹۹، «شصت و یک ماه» فاصله است اما همه این شصت و یک ماه، هاله‌ای از فراموشی، ما را دچار روزمرگی‌ها کرده بود. امروز که این گزارش منتشر می‌شود؛«اسحاق جهانگیری» معاون اول حسن روحانی که روزگاری در جهاد سازندگی خدمت می‌کرد و از آن جا، راهی مجالس دوره ی دوم و سوم شد و بعدها استاندار اصفهان شدن او را به وزارت صنایع و معادن آن روزگار گره زد؛ در سفری نسبتا کوتاه، میهمان یزدی‌ها است. یک هفته پیشتر از انجام این سفر، شنیده بودیم که در این سفر قرار است برخی طرح‌ها و پروژه‌ها افتتاح شود از جمله: کتابخانه ی مرکزی یزد(طرحی که از تاریخ گلنگ زنی آن ۲۶ سال می‌گذرد)، افتتاح ویدئو کنفرانسی طرح‌های آب و برق استان یزد که این روزها باب شده است، افتتاح بندرخشک کوثر پیشگامانکویر یزد(طرحی که به نام‌ها و بهانه‌های مختلف بارها افتتاح شده است)، فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع(طرحی که در باره ی آن بسیار خواهیم نوشت)، یک مرکز جامع سلامت و در کنار آن‌ها چند جلسه از جمله نشستسی تا نخیکان و فعالان سیاسی، اجتماعی و نیز شرکت در جلسه ی اقتصاد مقاومتی.

دو روز مانده به پایان هفته و سه روز به انجام این سفر مطلع شدیم که برنامه ی از پیش طرح ریزی شده، دچار تغییراتی شده و افتتاح فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع از دستور کار خارج شده(! در حالی که این طرح و نیز طرح آماده ی افتتاح چندباره ی بندرخشک کوثر پیشگامان کویر یزد در چند قدمی یکدیگر به سر می‌برند!!!

دلیل و علت را جویا شدیم؛ پاسخ دادند: «آن جایی که سازمان هواپیمایی کشوری اقدام به صدور مجوز نکرده است، افتتاح به زمان دیگری موکول شده اما افتتاح این طرح با شکوه هرچه تمام‌تر برگزار خواهد شد!»

**■ آقای قالیباف: از این جای گزارش به بعد را با دقت بیشتری بخوانید!**

شنیدن خبر افتتاح یک پروژه که ۶۱ ماه با آن زندگی کرده بودیم حس خوبی به ما می‌داد، این بار این پروژه زیر بار سنگین بوروکراسی له نشد، پشت در این اتاق و آن کارگروه و فلان مقام مسئول جان به جان آفرین تسلیم نکرد، جوانه بود، ریشه دوانیده قد کشید و حالا می‌خواهد فصلی نو را آغاز کند اما خبری که می‌گوید؛ نه! این طرح این بار و در این سفر افتتاح نخواهد شد، تلخ بود، عجیب بود … این خبر ما را راهی فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع کرد و نستشتم رو در روی «رضا حسینی نسب» تا ببینیم روایت او از این ماجرا چیست.

وارد محوطه که شدیم دیدیم میز و صندلی‌هایی که در یک سوله چیده شده بود در حال جمع‌آوری است، انگار حقیقت داشت؛ راسمی در کار نیست(!) حسینی نسب می‌گوید:«گفتند مجوز سازمان هواپیمایی نیامده و معذورند از افتتاح» حسینی نسب می‌گوید:«این مجوزی که بهانه ی افتتاح نکردن است را باید خودشان صادر کنند، خرجش یک تلفن است؛ کم و کسری‌ها نیست حتی می‌توانند موقت مجوز بدهد…»

**● در راهی که باز می‌آمدیم تا به فرودگاه یزد برسیم و از آن جا راهی تهران شویم به این مسئله اندیشیدیم که گزارش را خطاب به کدام قوه و مقام ارشد مملکتی بنویسیم؛ به روحانی و رئیس سازمان هواپیمایی کشوری، به ریئسی و حوزه ی اقتصادی قوه ی قضائیه یا به مجلس و کمیسیون های مربوطه که یادمان آمد این گزارش باید بی هیچ واسطه ای برسد به دست محمدباقر قالیباف، سرهنگ خلبانی که سابقه ی ۱۲ ساله ی شهرداری و ریاست مجلس نیز باعث نشد در سفری که راهی مشهد بود پشت سکان هواپیمای حامل وی ننشیند، یک خلبان حتی اگر سیاست مردی کهنه کار نیز شده باشد می‌دهیم تا اگر ضعف قوانین باعث این وقفه ی طولانی شده است بررسی شود، اگر کم کاری شده است به عنوان رئیس قوه ی مقننه و دستگاه ناظر بر کار دولت تذکر بدهد و اگر می‌نشود با رایزنی برخی و بخشی از مشکلات را حل کرد که چه کسی بهتر از رئیس قوه ی مقننه؟!**

**● می‌گویم: «دانش بنیان بودن و های تک بودن و سبز بودن که فردینی نیست!»**
بالاخر صنعتی که سبب باشد لابد پارامترهایی دارد، دانش بنیان بودن نیز تعریفی استاندارد و جهانی دارد همینطور «های تک» می‌گوید:«من نیز چون شما فکر می‌کردم منتها بعد ۶۱ ماه دوندگی تازه دارم با ادبیاتی خاص که ویژه مدیران حامی کارآفرینان است آشنا می‌شوم، مثلا وقتی می‌گویند خیال تان راحت(!) یعنی کاری می‌کنیم خوب به چشم تان نیاید، وقتی می‌گویند حمایت می‌شود یعنی سنگ اندازی ماجرای شما با (!) وقتی می‌گویند هر گونه تسهیلاتی لازم باشد می‌پردازیم یعنی نگاه تان به جیب خودتان باشد(!)».

حسینی نسب می‌گوید:«لاد خیری در آن نهفته است!»

۱۵۰۰میلیارد ریال سرمایه‌گذاری ۷ کیلومتر در دل یک بیابان!

روزنامه ی آفتاب یزد؛ سال‌ها قبل – بهمن ۹۴ – مصاحبه‌ای اختصاصی با همین رضا حسینی نسب انجام داده بود، آن هم در زمانه‌ای که نه زمینی به او و طرح او تخصص داده بودند و نه او ۱۵۰۰میلیارد ریال در دل بیابان هزینه کرده بود.سال ۹۴ که با او مصاحبه کردیم تازه از سفری مهم بازگشته بود سفری که در آن، تفاهم نامه ی همکاری با یکی از معتبرترین شرکت‌های اروپایی به امضا رسانیده بود آن هم نه برای خرید هواپلما یا خط متناژ بلکه، برای انتقال دانش فنی و قدم گذاشتن

در راهی بزرگ، این بار اما به واقع در محوطه ی یک فرودگاه با هم همکلام شدیم؛ برج مراقبت بود، باند آماده ی نشست و برخاست هواپیمای سبک بود، فضای سبز بود، آشیانه بود، قسمت اداری بود، ترمینال مسافر بود، امکانات رفاهی بود، سالن تولید بود، روح و روان یک فرودگاه قابل رؤیت بود، دیگر گفت و شنود داخل یک دفتر در طبقه ی چندم یک مجموعه ی اداری در مرکز شهر نبود، اینجا محوطه ی فرودگاهی است که دیر با زود از آن خواهیم شنید… حسینی نسب می‌گوید:«چنین مجموعه‌ای در خاورمیانه نظیر ندارد، راستی آزمایی این ادعا نیز با یک سرچ مختصر دست یافتنی است.»

ما مشتری نیستیم شریک و همکاریم در همان مصاحبه بود که تأکید کرد:«ما به عنوان خریدار یا شریک تجاری، رو در روی آن شرکت مطرح و معتبر اروپایی نشستیم بلکه به عنوان یک شریک دانش و فناوری و گروهی که می‌خواهد در این عرصه همکاری بلند مدت داشته باشد ابتدا تفاهم نامه و سپس قرارداد امضا کردیم.»

در همان گفتگوی ۶۱ ماه قبل مذاکر شده بود:«قطعا شرکت اروپایی طرف قرارداد چون در زمینه‌ای تخصصی فعالیت می‌کند و نگاه سیاسی به اقتصاد ندارد ما را در میانه ی مسیر رها نخواهد کرد.» و چون علت را جویا شده بودیم اظهار داشته بود:«قرارداد، چندبخشی و به هم پیوسته و ملو از بندهای حمایتی است از انتقال دانش فنی گرفته تا آموزش، همراهی در فروش و به روز کردن تولیدات…»

رضا حسینی نسب که مصاحبه ی آن روزگار را به خوبی در ذهن داشت وقتی از او پرسیدیم آن قرار و و مدار و آن قرارداد همچنان پابرجا است یعنی بعد ۶۱ ماه همچنان طرف خارجی به قراردادی که با شما منعقد کرده است پایبند است؟ می‌گوید:«آن‌ها در تمامی ابعاد ما را باور کرده‌اند یعنی پذیرفته‌اند «شرکت پیشگامان توسعه پرواز یزد» صرفا به دنبال منافع مادی و اقتصادی نیست و تلاش دارد در کنار انتقال دانش فنی که بسیار مهم است سعی دارد از نیروهای متخصص دانشگاهی بهره مند شود.»

حسینی نسب ۶۱ ماه بعد از مصاحبه ی بهمن ۹۴ بازم به آفتاب یزد می‌گوید: «تنها صنعتی هستیم که علاوه بر پاک بودن، دانش بنیان بودن، کم آبخواه بودن، فاقد هر گونه آلودگی بودن و ارزآور بودن به طور مستقیم توان به کارگیری تا ۱۵۰ نیروی کارشناسی ارشد و دکتری را در خود می‌بینیم که در نوع خود بی‌نظیر است». ما حتی برای بهره‌گیری از انرژی خورشیدی به دلیل موقعیت مکانی اعلام آمادگی کرده‌ایم که اگر دچار مجوزها و پیچ و خم‌های معمول و مرسوم نشویم قطعا اقدام خواهیم کرد.» این کارآفرین توضیحات تکمیلی خود را این گونه ارائه می‌دهد:«شاید برخی واحدهای تولیدی از نیروهای متخصص بهره ببرند اما درنک است از نیروی کارشناسی اداری برق در خط تولید استفاده کرد اما شیرین است از کارشناسی ارشد و دکتری تحصیل کرده در رشته‌های زیرمجموعه ی هوا – فضا در دست در جایی بهره ببریم که برای آن درس خوانده و صدها امال و آرزو در سسر پرورانیده است.»

او این بخش از صحبت‌های خود را این گونه کامل می‌کند:«از ۹ سالگی وارد بازار کار شدم، یکساله بودم که سایه ی پدر از بالای سرم رفت، تنهایی با هر مانعی که بر سر راهم سبز می‌شود به گونه‌ای برخورد کنم که نشکتم که راهم سد نشود تا امروز که وقتی می‌گویم لذت دارد از نیروی متخصص با دانش کافی استفاده کردن چون می‌دانم قبولی در دانشگاه و رسیدن به مدارج کافی استفاده کردن چون می‌دانم قبولی در دانشگاه و رسیدن به مدارج با پشت و دوست داشته شود اوج آرزوی یک جوان ایرانی است.» سال ۹۹ باز هم رو در روی یکدیگر نشستیم اما این بار با کوله باری از ترس ها، تردیها، بالا و پایین شدن ها، گلابه مندی‌ها و اما همچنان امیدوار بودن ها، تا جایی که وقتی از او پرسیدیم:«بالاخره تا کی؟ روزی ناامید خواهی شد!» و او با اطمینان و اراده گفت:«می‌میرم اما ناامید نمی‌شوم!» او می‌گوید:«کلام رهبر معظم انقلاب را چون باور داشتیم قدم در این راه گذاشتیم.»طرح‌های اقتصادی تأمین‌کننده ی استقلال ایران عزیز همان جهاد اکبر است، جهاد اقتصادی در برهه هایی، عین جهاد اکبر است.»

وارد مجموعه که شدیم تمثال شهدا را دیدیم، سردار سپهبد شهید حاج قاسم

سلیمانی، جمعی از سرداران شهید استان یزد و… می‌گوید:«از شهدا فاصله نگیریم در نمی‌مانیم من به این باور رسیده و ایمان دارم.»

سال ۹۴ وقتی از تقاضای مصاحبه کرده بودیم متعجب شده بود که یک روزنامه ی سیاسی – اجتماعی، اقتصادی چرا باید به موضوعی مانند هوا – فضا و هواپیماسازی توجه داشته باشد؟! تشکر کرد و داستان ورود به این عرصه را با جزئیات آن گفت از جمله حرکت از بحث‌های آموزشی و تفریحی به انتقال تکنولوژی و آغاز به ساخت هواپلما در خاورمیانه‌ای که تحت سیطره ی آمریکایی‌های بدهعد است همان آمریکایی‌هایی که به هر کشوری هواپلما فروختند او را در هنگامه ی نیاز تنها گذاشتند!

**● «فروردین ۹۴ با بزرگترین شرکت سازنده ی هواپیمای General Aviation در جهان که متخصص تولید هواپیمای ۲ تا ۱۱ نفره است وارد قرار داد می‌شود آن هم با ۶۶ درصد فروش خود**

**درصد فروش خود را به آموزشگاه‌ها های خلبانی در دنیا اختصاص داده است**
**به نحوی که این سازنده ی اروپایی موفق شده به دلیل امنیت بالا و استهلاک پایین هواپیمای تولیدی خود با آمریکایی ها نیز وارد تجارت شود. بد نیست بدانید هواپیمایی ماهان ۵ فرودن از هواپیمای این سازنده ی اروپایی را خریداری کرده است.»**

**● رضا حسینی نسب با تأکید بر این موضوع که هر گز به دنبال حاشیه سازی نبوده و نخواهیم بود چون همه داریم برای سربلندی ایران عزیز تلاش می‌کنیم خاطر نشان می‌کند:«با این عبارت آشنا هستیم.»**
**بودجه های دولت محدود است.» می‌دانیم و معتزفیم بخش های مهم تری در این مملکت وجود دارد که باید ترمیم شود تا معیشت و زندگی مردم آسیب نبیند اما نباید تنهای مان بگذارند، نباید از حمایت دولتی صرف نظر کنیم، ما با هزینه ی ۱۵۰۰ میلیارد ریالی به صورت کلامی عملیاتی «حسن نیت» خودمان را نشان دادیم و این یعنی دولت هم آستین بالا بزند چون الان و به نسبت ۶۱ ماه قبل تجربه ی بیشتری داریم تا جایی که می‌توانیم دیگر مجموعه ها را همراهی کنیم تا برخی از هزینه های آزرآرنده که بخشی از سرمایه ی آن ها را به واقع می‌بلعد را کاهش دهیم اگرچه تلاش کرده و می‌کنیم که استان یزد قطب هوا – فضای کشور شود اما در همین مرحله نیز ادعا داریم پایلوت ورود به دنیای فرودگاه های آموزشی تفریحی و تجاری در ابعاد کوچک شده ایم.»**

“

قدم در راهی سخت، طولانی اما همیشگی و مانا بگذارد؛ حسینی نسب می‌گوید:«از همان ابتدا به هرکسی مراجعه کردیم از دو زاویه به ما نگریست؛ یکی این که این ایده رؤیایی است پس لابد به دنبال تسهیلات و بهره مندی از مزایای اقتصادی این طرح بلندپروازانه هستند و دو دیگر این که خیلی زود خسته می‌شوند و می‌رسند به خط پایان…»

می‌گوییم:«سال ۹۴ که با شما مصاحبه کردیم متأسفانه ما نیز شما را باور نداشتیم اما همواره فعالیت‌های فرودگاه و صنایع هواپیماسازی امام رضاع را دنبال می‌کردیم همان طرحی که در قالب شرکت:«پیشگامان توسعه پرواز» در حال انجام بود!» و تأکید می‌کنیم:«اگر نیامده و ندیده بودیم هیچ ادعایی را که راوی انجام شدن این پروژه در زمینی به مساحت ۹۳ هکتار – قابل توسعه تا ۴۰۰ هکتار – باشد را باور نمی‌کردیم(رضا حسینی نسب در قسمت طول باند توضیح می‌دهد که اینک این فرودگاه دارای باند ۱۶۰۰ متری با عرض ۲۵ متر است اما در طرح‌های تکمیلی و افق ۲۰ ساله، باند ۵۰۰۰متری با عرض ۵۰ متر نیز پیش‌بینی شده است.»

**رضا حسینی نسب‌بهمن ۹۴:**

«سال‌ها در نمایشگاه‌های مختلف صنایع هوایی در سراسر جهان شرکت کردیم تا در نهایت به دو شرکت رسیدیم که اگر می‌توانستیم تکنولوژی و دانش فنی آن‌ها را به ایران منتقل کنیم قطعا راهی طولانی را طی کرده بودیم و ایران به آسانی در زمره ی تولیدکنندگان هواپیمای سبک قرار می‌گرفت.» «خوشبختانه بحث انتقال تکنولوژی و طراحی سیاست‌های کلی نظام توسط رهبر معظم انقلاب در سال ۹۴ درباری ی فناوری ابلاغ شد که در بند ششم این سیاست ها، «اهتمام به انتقال تکنولوژی و طراحی و ساخت مورد تأکید قرار گرفته بود.»

از آن روزگار ۶۱ ماه گذشته است، بخش‌هایی از مصاحبه ی ۶۱ ماه قبل را یادآوری می‌کنیم؛ هم سؤال کلیشه‌ای می‌پرسیم:«اگر به گذشته بازگردید بازم همین راه را می‌آبید؟ که با صراحت گفت بله!» و هم یک ادعا را کارهای معمول و مرسوم بودید استان یزد می‌تواند به قطب هوا فضایی خاورمیانه تبدیل شود.» آیا همچنان بر همان عقیده اید؟! خیلی تلخ می‌خندد و می‌گوید:«می‌دانم منظور شما چیست اما بعد ۶۱ ماه دوندگی و بالا و پایین شدن بازم می‌گویم؛ استان یزد باید به قطب هوا – فضای خاورمیانه تبدیل شود.»

**به پشت در ایستان عادت داریم!**
حکایتی عجیب را بازتعریف می‌کند:«سال‌ها قبیل منوچهر منطقی که آن روزها دست اندرکار سازمان صنایع هوایی و دبیر ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش بنیان هوایی کشور بود به یزد آمد و من پشت در اتاقی ایستادم که داخل آن درباری ی طرحی بحث می‌کردند که منشأ آن من بودم!» بی‌آن که حرفی بزینم در پاسخخ به نگاه متعجب ما می‌گوید:«به پشت در ایستادن عادت داریم!»

بعد مصاحبه و در هنگامه ی تدوین این گزارش به روزنامه ی بهمن و اسفند ۹۴ مراجعه کردیم:«منوچهرمنطقی» در آن سال‌ها رئیس سازمان صنایع هوایی و دبیر ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش بنیان هوایی کشور بود به یزد آمد و من پشت در اتاقی ایستادم که داخل آن درباری ی طرحی بحث می‌کردند که منشأ آن من بودم!» بی‌آن که حرفی بزینم در پاسخخ به نگاه متعجب ما می‌گوید:«به پشت در ایستادن عادت داریم!»

**دیدگاه خود در مورد مطالب و گزارش اصلی این صفحه را به صورت پیامک با شماره ۳۰۰۰۱۴۳۷ در میان بگذارید.**

**● این بار اما به واقع در محوطه ی یک فرودگاه با هم همکلام شدیم؛ برج مراقبت بود، باند آماده ی نشست و برخاست هواپیمای سبک بود، فضای سبز بود، آشیانه بود، قسمت اداری بود، ترمینال مسافر بود، امکانات رفاهی بود، سالن تولید بود، روح و روان یک فرودگاه قابل رؤیت بود، دیگر گفت و شنود داخل یک دفتر در طبقه ی چندم یک مجموعه ی اداری در مرکز شهر نبود، محوطه ی فرودگاهی است که دیر یا زود از آن خواهیم شنید… حسینی نسب می‌گوید:«چنین مجموعه‌ای در خاورمیانه نظیر ندارد، راستی آزمایی این ادعا نیز با یک سرچ مختصر دست یافتنی است.»**

**● حسینی نسب ۶۱ ماه بعد از مصاحبه ی بهمن ۹۴ بازم به آفتاب یزد می‌گوید:«تنها صنعتی هستیم که علاوه بر پاک بودن، دانش بنیان بودن، کم آبخواه بودن، فاقد هر گونه آلودگی بودن و ارزآور بودن به طور مستقیم توان به کار گیری تا ۱۵۰ نیروی کارشناسی ارشد و دکتری را در خود می‌بینیم که در نوع خود بی نظیر است، ما حتی برای بهره گیری از انرژی خورشیدی به دلیل موقعیت مکانی اعلام آمادگی کرده ایم که اگر دچار مجوزها و پیچ و خم های معمول و مرسوم نشویم قطعا اقدام خواهیم کرد.»**

**● او این بخش از صحبت های خود را این گونه کامل می‌کند:«از ۹ سالگی وارد بازار کار شدم، یکساله بودم که سایه ی پدر از بالای سرم رفت، تنهایی کارهای سخت و مشکلات ریز و درشتی که سر راهم بود در نهایت کمک کرد با هر مانعی که بر سر راهم سبز می‌شود به گونه ای برخورد کنم که نشکتم که راهم سد نشود تا امروز که وقتی می‌گویم لذت دارد از نیروی متخصص با دانش کافی استفاده کردن چون می‌دانم قبولی در دانشگاه و رسیدن به مدارج علمی بالا بدون داشتن تضمین شغلی آن هم شغلی که مرتبط با تحصیلات باشد و دوست داشته شود اوج آرزوی یک جوان ایرانی است.»**

“

۹۴ مراجعه کردیم:«منوچهرمنطقی» در آن سال‌ها رئیس سازمان صنایع هوایی و دبیر ستاد توسعه فناوری و صنایع دانش بنیان هوایی کشور بود، به یزد آمده بود و ورود پارک علم و فناوری استان یزد به حوزه ی هوا – فضا را اقدامی خوب ارزیابی کرده بود اما مهم‌ترین بخش در آن خبر؛ در رتبه ی نخست بودن ایران در منطقه بود پس، این که «رضا حسینی نسب» اصرار دارد استان یزد باید قطب هوا – فضای کشور و خاورمیانه شود، متکی به یک سری واقعیت‌ها است نه لم داده بر بالش رؤیا و آرزوهای دست نیافتنی!

**می‌خواهند ما را از مجموعه ی پارک علم و فناوری حذف کنند!**

باقی گفته‌های منوچهر منطقی را مرور می‌کنیم؛ او از بالابودن حجم مورد نیاز تقدینگی برای سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های هوا – فضا می‌گوید و بلافاصله از محدودیت‌های مالی دولت(!) این یعنی بخش خصوص باید ورود پیدا کند و می‌کند.

حسینی نسب می‌گوید:«اگر دچار بوروکراسی‌های غیر ضروری، زمان بر و ناپهمنذی نشده بودیم با ۸۰-۷۰ میلیارد تومان سر و ته این مجموعه را به هم آورده بودیم؛ حالا ۱۵۰ میلیاردتومان دادیم و هنوز در نیمه ی راه هستیم، نه این که مجموعه آماده ی بهره‌برداری نباشد؛ نه! اما تا ایده آل‌های ما کیلومترها فاصله دارد.»

او می‌گوید:«زنگی کردیم و به گرانی‌ها نخورده، سیمان و پروفیل و دستگاه‌های مورد نیاز را پیش خرید کردیم در برخی جای‌ها نگاه سرمایه گذارانه داشتیم مثلا ۶ میلیارد ریال پول دادیم که روزی ۲۰ میلیون ریال کرایه ی حمل بار ندیم، ۱۰ میلیارد ریال دادیم که اسپر تصمیم‌گیری‌های بلند مدت برخی مدیران نشویم، ۶ کیلومتر جاده ی آسفالت ساخته‌یم که خودش یک طرح ایلی دولت در مناطق روستایی است حاضر شدیم قیر بدهند، ندانند از بازار آزاد تهیه کردیم اما نگذاشتیم در این مسیری که پیش روی مان گسترده بوده شد خللی، دست اندازی، مانعی ایجاد شود.»

حسینی نسب برای رسیدن به این پرسش ما که:«مروز اگر شروع کنید چقدر بودجه نیاز است؟» بدون ذره‌ای مکت و تأمل می‌گوید:«حداقل ۱۰۰۰میلیاردتومان وجه نقد تازه فرض را بگذارید بر آمده بودن همه ی مجوزها از زمین گرفته تا مجوز سازمان هواپیمایی کشوری.» و می‌گوییم اگر این‌ها آماده نباشند؟ می‌گوید:«ببینید! باید منطقی نگاه کنیم این روزها بسیار ۱۰۰۰میلیاردتومان به راحتی می‌توان ۱۰ کارخانه ی کاشی و چند کارخانه ی فولاد استارت زد، زمین و مجوز و تسهیلات بانکی پشت در اتاق شرکت اتاق تو صف بستانند پس با اعداد و ارقام بازی نکنید؛ توجیه عاشقانه می‌خواهد ۱۵۰ میلیاردتومان پول را در بیابان سرمایه‌گذاری کنی، ۲۰ هزار دستگاه کمپرسی خاکبرداری کنی، ۲۰ هزاردستگاه کمپرسی خاکریزی کنی صرفا برای داشتن فضای سبز، رقم دنبال عدد و رقم نگر؛ هرگز بدبین چنداندر حاضرند صدار به یک مدیر مراجعه کنند نه بشنوند بازم بروند با این که می‌دانند نه می‌شنوند!»

او به یک ماجرای تلخ اشاره می‌کند و هیچ توضیحی نمی‌دهد:«می‌خواهند ما را از مجموعه ی شرکت‌های پارک علم و فناوری یزد حذف کنند گویاهای تک بودن و دانش بنیان بودن ما را فقط خرج‌ها قبول دارند!»

**یکی از مدیران به من گفت دروغگویی!**

رضا حسینی نسب با لیخنندی که درد را نشان ندهد خاطره‌ای تلخ را بیان می‌کند:«در روزهایی که به دنبال تخصیص زمین بودم و هر روز پشت در ایستان را مشق می‌کردم یکی از مدیران گفت:«برای ساخت این مجموعه چقدر باید هزینه کنی؟! و من در آن سال‌ها که سیمان و میلگرد و فولا به این اندازه گران نشده بودم گفتیم:«۳۰۰میلیارد تومان» آن مدیر لیخنندی زد و گفت:«شک ندارم که دروغگویی!» و من گفتم:«حق با شما است با یک برای کار ۱۰۰ میلیاردی ۳۰۰۰ میلیارد هزینه کرده‌اید من را دروغگو می‌دانی در حالی که من به دنبال ساخت فرودگاه و هواپلما نبودم!»

**هر جا گفتند از شما حمایت می‌کنیم از همان جا مانع تراشی شد**

می‌گوییم: «دانش بنیان بودن وهای تک بودن و سبز بودن که خریدنی نیست! بالاخر صنعتی که سبز باشد لابد پارامترهایی دارد، دانش بنیان بودن نیز تعریفی استاندارد و جهانی دارد همینطور «های تک» می‌گوید:«من نیز چون شما فکر می‌کردم منتها بعد ۶۱ ماه دوندگی تازه دارم با ادبیاتی خاص که ویژه مدیران حامی کارآفرینان است آشنا می‌شوم، مثلا وقتی می‌گویند خیال تان راحت(!) یعنی کاری می‌کنیم خوب به چشم تان نیاید، وقتی می‌گویند حمایت می‌شود یعنی سنگ‌اندازی ماجرای شما با ما(!) وقتی می‌گویند هر گونه تسهیلاتی لازم باشد می‌پردازیم یعنی نگاه تان به جیب خودتان باشد(!)».

حسینی نسب می‌گوید:«همه از مافیای می‌گویند درست هم می‌گویند این روزها فولاد، کاشی، معادن و… در این چرخه قرار گرفته اند، یعنی از یک سو قیر به منن نمی‌دهند برای ۶ کیلومتر جاده از آن طرف ۲۰ کیلومتر جاده با امکانات دولتی می‌سازند برای معدنی خصوصی اسم آن را می‌گذارند توسعه ی راه‌های روستایی، فلک جلودارشان نیست وقتی خواسته باشند و فلک جلودارشان نیست وقتی نخواست باشند!»

**زندگی نامه ات را بنویس!**

می‌گوییم: دل پر دردی دارید، می‌گویم سرشار از تجربه با قوانین دست و پاگیر شده اید، می‌گویم زندگی نامه ات را بنویس بگذار بماند و بخوانند! می‌گوید:«دل پر دردی ندارم، مملکت را دوست دارم و از این بدتر را نیز تحمل می‌کنم اصلا جان می‌دهم برای آبادانی و سربلندی این سرزمین.»

نگاهی به کوپرتوریم… حسینی نسب می‌گوید:«جذابیت‌های کوپر در دو بخش باید دیده شود؛ یکی پیمودن بیابان و دیگری نظاره ی کوپر از دل آسمان.»